

Makran Regional Development Policy with a Future Research Approach

Abolfazl Shahali *

Department of Geography and Urban Planning, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: shalman69@gmail.com

Rahim Sarvar*

*Corresponding Author, Department of Geography and Urban Planning, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: sarvarh83@gmail.com

Ali Tavakolan

Department of Geography and Urban Planning, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: dr.tavakolan@gmail.com

Abstract

Balanced development at the national level is one of the prerequisites for achieving sustainable development goals. Sustainability and correspondence in the amount of social, cultural, economic well-being and the exploitation of resources and facilities are proportional to the preservation of natural resources and the environment in the areas that provide the requirements of spatial justice and the acceleration of the national development process. The purpose of this research is the regional development policy of Makran, the current research was conducted using the descriptive-analytical method and based on future research methods with a combination of documentary and survey methods. In this research, after studying the upstream documents, two-stage Delphi method was used to identify the key variables affecting the sustainable development of Makran region, and the analyzed data includes 36 variables in the form of 8 areas as primary variables affecting sustainable development. The findings show that the ideal institutional model for the development of Makran will be to go through sectoral approaches and move gradually in the direction of institutional capacity building. Non-institutional models based on the theory of neo-regionalism play high capacities for the institutional capacity building of Makran. As a result, in regional governance, Makran Development Organization should play the role of leadership and policy-making in the credit of the political support of the central government.

Keywords: Regional development, Sustainability, Makran, Scenario

Citation: Shahali, Abolfazl, Sarvar Rahim, Tavakolan Ali (2023). Makran Regional Development Policy with a Future Research Approach. *Urban and Regional Policy*, 2(3), 1-16

سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای مکران با رویکرد آینده‌پژوهی

ابوالفضل شاهعلی

دانشجوی دکتری تخصصی، رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: shalman69@gmail.com

رحیم سرور*

نویسنده مسئول، استاد، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: sarvarh83@gmail.com

علی توکلان

استادیار، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: dr.tavakolan@gmail.com

چکیده

توسعه متعادل در سطح ملی یکی از پیش شرط‌های نیل به اهداف توسعه پایدار است. پایداری و تناظر در میزان رفاه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و بهره‌برداری از منابع و امکانات متناسب با حفظ منابع طبیعی و محیط زیست در مناطق فراهم کننده الزامات عدالت فضایی و تسریع فرایند توسعه ملی است. هدف این تحقیق سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای مکران است، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و بر اساس روش‌های آینده‌پژوهی با ترکیبی از روش‌های اسنادی و پیمایشی صورت گرفته است. در این تحقیق برای شناسایی متغیرهای کلیدی مؤثر بر توسعه پایدار منطقه‌ای مکران پس از مطالعه اسناد بالادستی، از روش دلفی دومرحله‌ای استفاده شده است و داده‌های مورد تحلیل شامل ۳۶ متغیر در قالب ۸ حوزه به‌عنوان متغیرهای اولیه مؤثر بر توسعه پایدار است. یافته‌ها نشان می‌دهد الگوی مطلوب نهادی برای توسعه مکران گذر از رویکردهای بخشی و حرکت تدریجی در مسیر ظرفیت‌سازی نهادی خواهد بود. الگوهای غیرنهادی مبتنی بر نظریه نومنطقه‌گرایی ظرفیت‌های بالایی را برای ظرفیت‌سازی نهادی مکران ایفا می‌نماید. در نتیجه در حکمرانی منطقه‌ای، سازمان توسعه مکران باید نقش راهبری و سیاستگذاری را به اعتبار پشتیبانی سیاسی حکومت مرکزی ایفا نماید.

کلیدواژه‌ها: توسعه منطقه‌ای، پایداری، مکران، سناریونویسی.

استناد: شاهعلی، ابوالفضل؛ سرور، رحیم و توکلان، علی (۱۴۰۲). سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای مکران با رویکرد آینده‌پژوهی. *سیاستگذاری شهری و منطقه‌ای*، ۲(۳)، ۱-۱۶.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۵

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۹/۰۷

سیاستگذاری شهری و منطقه‌ای، ۱۴۰۲، دوره ۲، شماره ۷، صص ۱-۱۸

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز

© نویسندگان

مقدمه

از جمله معیارهای برنامه‌ریزی منطقه‌ای برای مشخص کردن نابرابری‌ها، تعیین وضعیت مناطق بر حسب برخورداری از شاخص‌های توسعه است. در ادبیات و سیاست توسعه، عموماً این باور رواج دارد که رشد تولید ناخالص ملی و بالابودن درآمد سرانه، محور اصلی توسعه است. در کشورهای درحال توسعه تمرکز شهری مشکلاتی مانند توزیع نامتعادل جمعیت، افزایش بیکاری، مهاجرت و مانند آنرا به دنبال داشته است. همچنین به موجب این افزایش‌ها و عدم ارتباط منطقی بین توزیع و تخصیص سرمایه‌گذاری‌ها، شاهد بروز عدم تعادل و نابرابری‌ها در بین مناطق خواهیم بود. پیام عدم توازن معمولاً ناکارایی اقتصادی، نابرابری اجتماعی، جریان‌های مهاجرتی قوی و قطبی شده است. آشکار است که همواره این وضعیت منجر به فشار سیاسی برای ازمیان بردن شکاف می‌شود. توسعه به عنوان پروژه جهانی و بر اساس استانداردهای بانک جهانی عبارت است از تغییر ساختاری از اقتصاد مبتنی بر تولید فرایندی تدریجی در پیشرفت موقعیت بشر، شامل، انجام فعالیت برای رسیدن به رشد مادی و تکامل اجتماعی در طول زمان است. هدف اصلی توسعه حذف نابرابری‌هاست، بهترین مفهوم توسعه، رشد همراه با عدالت اجتماعی است. مفهوم توسعه تداوم رشد اقتصادی، رشد سریع و ممتد سرانه واقعی، همگام با پیشرفت جامعه است (Sarvar, 2021). در ادبیات اقتصاد، مفهوم توسعه به طور مکرر مورد استفاده قرار گرفته است، اما هنوز از چارچوب مفهومی و کمی دقیق برخوردار نمی‌باشد. در واقع تعریفی که توافق عمومی در مورد آن وجود داشته باشد ارائه نشده است (Pourahmad, 2014).

راهبرد توسعه منطقه‌ای (RDS) یکی از الگوهای است که در برخی از کشورهای جهان همانند کشورهای عضو اتحادیه اروپا و دیگر مناطق نوظهور اقتصادی جهان از دهه ۱۹۹۰ به این سو رواج یافته است. شناخت این الگوی سیاستی و برنامه‌ریزی می‌تواند مسیری نو برای بحث، تجربه و اقدام در برنامه‌ریزی منطقه‌ای تلقی شود (طباطبایی و همکاران، ۱۳۹۸). در واقع با تشدید روند جهانی شدن اقتصادی و رقابت بین دولت‌ها و دولت - منطقه‌ها به تعبیر کینچی اومای مسائل منطقه‌ای پیچیده‌تر شده است و پایداری توسعه مناطق بیش‌ازپیش اهمیت یافته است (یاسوری و سجودی، ۱۳۹۷: ۱۶۲)؛ لذا نه تنها در نظم نوین جهانی قلمروهای جغرافیایی با منطقه‌گرایی همراه شده است؛ بلکه در نظام برنامه‌ریزی نیز نومنطقه‌گرایی شکل مسلط به خود گرفته است (محمدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۵۲۰). دلیل توجه و تأکید بر راهبرد توسعه منطقه‌ای (RDS) این است که پیوستگی و عدم تفکیک در این راهبرد باعث می‌شود تا مناطق به‌سان تکه‌های پازلی دیده شوند که باید به بهترین نحو در کنار هم و برای پوشش دادن نقاط ضعف هم و همچنین برخوردار سازی مناطق در سطحی وسیع قرار گیرند که این پایداری را می‌توان تنها در سایه دخالت حساب شده و کارآمد دولت در بخش اقتصادی شاهد بود. به عبارتی یکی از مهم‌ترین نتایج و ثمرات به‌کارگیری راهبرد توسعه منطقه‌ای (RDS) برهم زنی تمرکزگرایی موجود و جایگزینی تمرکززدایی به‌جای آن و بالتبع مقابله با چالش‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، امنیتی و... می‌باشد (Zhang, et al, 2020: 20). چرا که امروزه تمرکززدایی راهبردی در جهت توسعه پایدار محسوب می‌گردد و برخلاف حالت تمرکز که قدرت و تصمیم‌گیری در مرکز یا در سطح مسئولان رده‌بالا، متمرکز است، تمرکززدایی امکان می‌دهد سطوح پایین به مسائل و مشکلاتی که خاص خودشان بوده و مستقیماً با آن سروکار دارند، توجه کنند (Hassink, et al, 2019: 12)

یکی از مهم‌ترین قابلیت‌های منطقه مکران، مجاورت آن با آب‌های آزاد بین‌المللی در سرتاسر مرز جنوبی، همسایگی مستقیم با کشورهای پاکستان و افغانستان و به طور غیرمستقیم با کشورهای آسیای مرکزی (از طریق ترکمنستان) است که یک راه غیرقابل چشم‌پوشی برای این کشورهای محصور در خشکی (به جز پاکستان) به دریاهای آزاد محسوب می‌شود. استان سیستان و بلوچستان در مسیر دو کریدور از سه کریدور ترانزیتی بزرگ دنیا قرار دارد. این امر، منطقه مکران را به عنوان محور ترانزیتی طرح توسعه جنوب شرق تا حوزه اقیانوس هند مطرح می‌کند. در سیاست‌های کلی برنامه ششم و هفتم توسعه کشور نیز توجه ویژه به توسعه سواحل مکران شده است و تمام سازمان‌ها و وزارتخانه‌های کشور موظف‌اند همکاری‌های لازم برای این مهم را در برنامه ششم توسعه کشور به کار بگیرند. بعلاوه منطقه مکران به دلیل موقعیت ممتاز ژئوپلیتیک و ژئو اکونومی و نقش بالقوه بسیار مهمی که در توسعه جنوب و جنوب شرق ایران و تعادل فضایی کل کشور دارد، و به نظر می‌رسد دیده‌بانی و پیشقراولی توسعه با رویکرد حضور موفق در عرصه‌های فراملی از اولویت‌های اصلی برنامه‌ریزی برای توسعه مکران باشد که این تحقیق در نظر دارد با استفاده از روش‌های آینده‌نگاری، سناریوهای ممکن و مطلوب توسعه مکران را در سال‌های آتی مشخص سازد. در راستای توسعه پایدار منطقه‌ای مکران، موانع و ساختارهای مختلفی نقش دارند. مسئله این تحقیق از اینجا ناشی می‌شود که منطقه مکران با وزارتخانه‌های مختلفی روبرو است که این موضوع در سطح کلان و در بعد سیاست‌گذاری هم کالا مشهود است در واگذاری مدیریت‌های بخشی و حوزه‌های واگذاری اختیارات با چالش‌های عدیده‌ای روبرو شده است. از طرف دیگر سازمان‌ها و نهادهایی چون محیط‌زیست، بنادر و دریانوردی و تا حدودی سازمان برنامه‌بودجه از جمله مهم‌ترین نهادهایی در موضوع ترتیبات میان نهادی و درون نهادی هستند که نمی‌توان نادیده گرفت و مسئله دیگر اینکه مکران با محرومیت‌ها و فقر اجتماعی - اقتصادی و زیرساختی شدیدی مواجه است. مسئله آخر اینکه پیوندهای اجتماعی، اقتصادی، سرمایه‌گذاری مختلف در ارتباط با کشورهای همسایه است که از موانع مهم در توسعه منطقه‌ای مکران به شمار می‌روند.

اهداف اصلی یک RDS عبارت‌اند از: تحقق توسعه پایدار، ایجاد تعادل‌های منطقه‌ای، ارتقای کیفیت زندگی اجتماع محلی در مناطق جغرافیایی مشخص. RDS به دنبال ایجاد مناطقی پایدار پویا و مترقی از حیث اقتصادی، محیطی، اجتماعی و سیاسی است (RDS) (Hassink, et al, 2019: 12). سیاست‌های کلان را برای نهادهای متولی توسعه منطقه‌ای ارائه می‌نماید. هم چنین نقش یک بازوی کمکی برای حکومت‌های منطقه‌ای جهت جذب سرمایه‌گذاری خارجی، استفاده از توان‌های زیر مناطق و یک پارچه‌سازی اقدامات منطقه‌ای را ایفا می‌نماید (Grillitsch, Sotarauta, 2020: 705). قلمرو یک برنامه راهبردی توسعه شهری (منطقه) به معنای جغرافیایی آن است؛ اغلب طرح‌های RDS به دنبال ارتقای رقابت‌پذیری پویایی فضایی و ارتقای کیفیت زندگی در مقیاس منطقه‌ای‌اند در واقع راهبرد توسعه منطقه‌ای زمینه برای برنامه‌ریزی‌های زیر فراهم می‌کند.

ادبیات تحقیق

به مدت چندین دهه است که توزیع نابرابر رفاه و ثروت در میان مناطق و یا شهرها تبدیل به عاملی برای نگرانی محققان

و سیاست‌گذاران شده است. توسعه منطقه‌ای در مورد جغرافیای ثروت و رفاه و تکامل آن می‌باشد. توسعه منطقه‌ای نقش مهمی در حوزه‌هایی همچون جغرافیای اقتصادی، اقتصاد منطقه‌ای، علوم منطقه‌ای و نظریه‌های رشد اقتصادی دارد. توسعه منطقه‌ای ماهیتاً مفهومی ایستا نیست بلکه در تحولات فضایی-زمانی مناطق ماهیتی پویا دارد (Camagni, et al, 2009: 119). نابرابری‌های منطقه‌ای می‌تواند پیامدهای منفی اقتصادی-اجتماعی به دنبال داشته باشد؛ بر اساس تحلیل‌های نئوکلاسیک، فرض بر این است که این نابرابری‌ها در بلندمدت به خاطر تحرک فضایی عوامل تولید که در نهایت باعث برابر کردن عامل بهره‌وری می‌شود کاهش یافته و از بین می‌رود. بر اساس این تحلیل، واضح است که عوامل دوربرد همانند آموزش، تحقیق و توسعه و فناوری نقش بنیانی در این گستره ایفا می‌کند. اما به صورت مشخص، بحث برنامه‌ریزی منطقه‌ای، توسعه منطقه‌ای و سیاست‌گذاری منطقه‌ای چیزی بیش از چنین تحلیل‌هایی است. توسعه منطقه‌ای مفهومی پیچیده و اغلب چالش‌برانگیز است. به همین خاطر است که سطوح محلی و منطقه‌ای به‌عنوان سطحی از فضای اعمال و اجرای سیاست‌های توسعه همواره مورد توجه محافل علمی، سیاست‌گذاری و اجرایی بوده است و بر همین اساس رویکردهای غالب به مطالعه مناطق نیز همواره در طول زمان تمایل به تغییر و تحول داشته‌اند. برای درک و شناخت چنین تغییر و تحولاتی که در عرصه نگرش به برنامه‌ریزی منطقه‌ای، توسعه منطقه‌ای و سیاست‌گذاری منطقه‌ای صورت گرفته است نگاهی به روندهای گذشته‌ای که در این زمینه وجود داشته است می‌تواند مفید باشد. ولی با بررسی زمینه‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای و چگونگی شکل‌گیری منطقه‌گرایی جدید، پنج دوره اصلی را در زمینه برنامه‌ریزی منطقه‌ای تشخیص می‌دهد.

در سال‌های اخیر بحث توسعه پایدار منطقه‌ای و محلی مورد توجه جدی قرار گرفته است و سطوح محلی و منطقه‌ای به‌عنوان سطوح فضایی مهم و قابل توجه به کانون‌هایی برای اجرای توسعه پایدار تبدیل شده‌اند. در این زمینه کارهای انگل، گیسیس، هاوگتون و کانسل، مورگان و روبرت قابل ذکر است. در واقع شکل‌های سنتی توسعه محلی و منطقه‌ای به‌خاطر بیش از حد اقتصادی‌بودن و تمرکز بر رشد اقتصادی مورد چالش قرار گرفته‌اند. در کنار نابرابری‌های اجتماعی، آگاهی در مورد افزایش اثرات اکولوژیکی و مشکلات زیست‌محیطی ناشی از الگوهای موجود استفاده از منابع، شکل‌های توسعه محلی و منطقه‌ای در جستجوی راه‌هایی بوده‌اند تا از لحاظ اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی پایدارتر باشند. معیارهای جدید توسعه محلی و منطقه‌ای به دنبال این بوده‌اند که بینش گسترده‌ای از توسعه که سلامتی، آسایش، برابری و کیفیت زندگی را در سطوح محلی و منطقه‌ای در برگیرد، ارائه دهند. چرا که کیفیت زندگی محلی و منطقه‌ای می‌تواند حتی زمانی که مکان‌ها سطوح مشابهی در زمینه درآمد و GDP (یعنی معیار توسعه در الگوهای سنتی توسعه محلی و منطقه‌ای) داشته باشند، متفاوت باشد (میبیدی و همکاران: ۱۳۹۹: ۱۶۴).

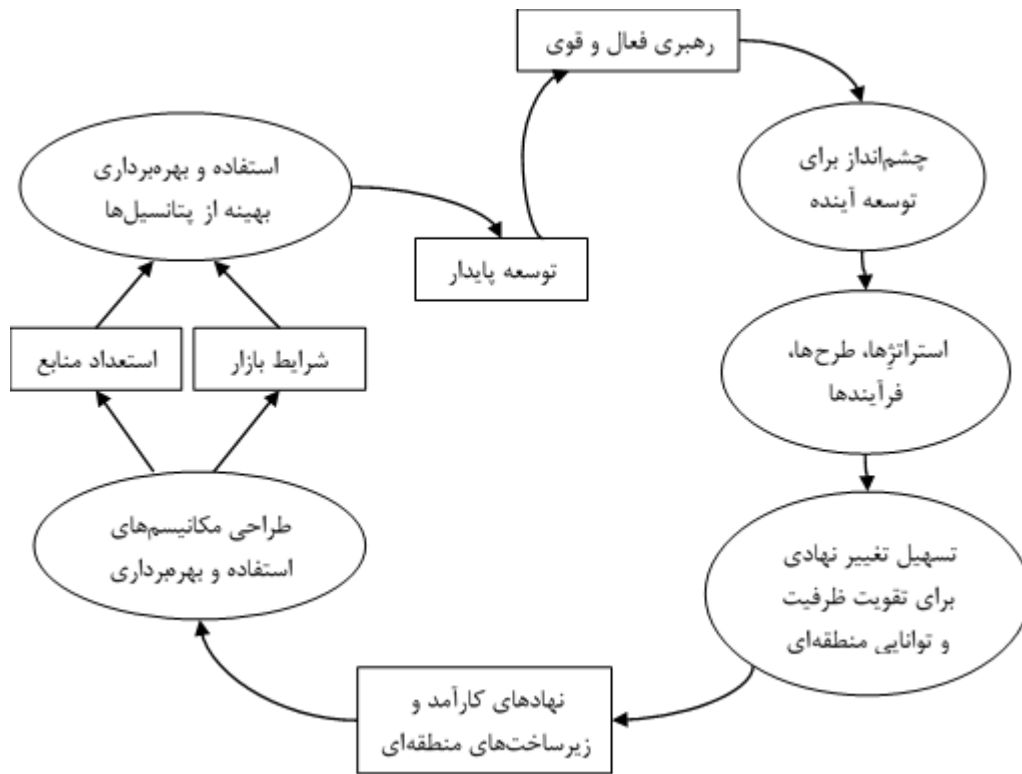
اهداف اصلی یک RDS عبارت‌اند از: تحقق توسعه پایدار، ایجاد تعادل‌های منطقه‌ای، ارتقای کیفیت زندگی اجتماع محلی در مناطق جغرافیایی مشخص. RDS به دنبال ایجاد مناطقی پایدار پویا و مترقی از حیث اقتصادی، محیطی، اجتماعی و سیاسی است (Hassink, et al, 2019: 12). RDS سیاست‌های کلان را برای نهادهای متولی توسعه منطقه‌ای ارائه می‌نماید. هم چنین نقش یک بازوی کمکی برای حکومت‌های منطقه‌ای جهت جذب سرمایه‌گذاری خارجی، استفاده از توان‌های زیر مناطق و یک پارچه‌سازی اقدامات منطقه‌ای را ایفا می‌نماید. قلمرو یک برنامه راهبردی

توسعه شهری (منطقه) به معنای جغرافیایی آن است؛ اغلب طرح‌های RDS به دنبال ارتقای رقابت‌پذیری پویایی فضایی و ارتقای کیفیت زندگی در مقیاس منطقه‌ای‌اند در واقع راهبرد توسعه منطقه‌ای زمینه برای برنامه‌ریزی‌های زیر فراهم می‌کند.

تقویت رقابت اقتصادی منطقه‌ای و تلاش برای ازبین‌بردن وضع نامساعد اجتماعی و اقتصادی؛ محافظت و ارتقای سرمایه‌های فیزیکی، طبیعی و مصنوعی منطقه؛ ارتقای مسکن، حمل‌ونقل، کیفیت آب، انرژی و راهبردهای دفع پسماندها، تهیه زیرساخت‌ها، فراهم‌آوردن خدمات عمومی و... راهنمایی‌های عمومی و تصمیمات سرمایه‌گذاری خصوصی مربوط به کاربری زمین؛ این راهبرد را می‌توان رویکردی فراگیر باهدف تهیه یک چارچوب بهینه توسعه منطقه‌ای قلمداد نمود که هماهنگی بین‌بخشی مابین بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیرساختی یکی از کارکردهای اصلی آن است با این ویژگی که ضمن هماهنگی به دستور کارهای مشخصی در رابطه با هر بخش با تأکید بر جنبه‌های فضایی و مکانی می‌رسد، یک RDS منسجم و اثربخش دارای یک چشم‌انداز فراگیر است؛ چشم‌انداز می‌تواند منظر بیرونی از منطقه‌ای پویا و سرزنده با یک حس مکان قوی در جهانی گسترده‌تر باشد (Churkin, et al, 2021:115). یک منطقه سرشار از فرصت‌ها که مردم از زندگی کردن و کارکردن در آن لذت می‌برند در یک محیط سالم جایی که کیفیت زندگی آن‌ها افزایش می‌یابد و تنوع و گوناگونی، یک نقطه قوت به حساب می‌آید نه یک اختلاف. چشم‌انداز فوق توسط ارزش‌های زیر پشتیبانی می‌شود (Hassink, et al, 2019: 32).

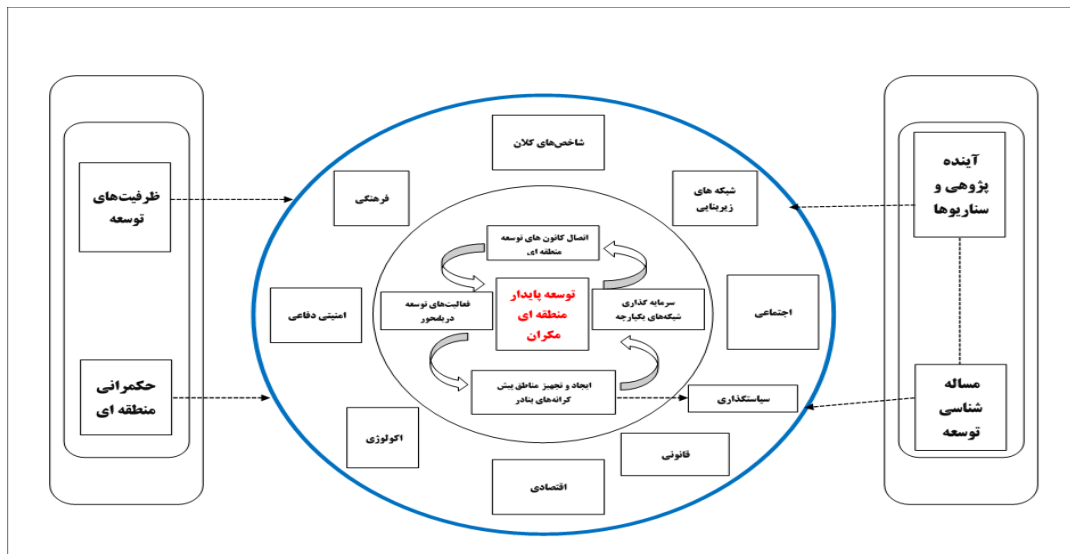
حمایت قوی از رشد پایدار به‌منظور بهره‌مندشدن از همه قسمت‌های منطقه.

- پشتیبانی شهرها، روستاها و جوامع روستایی برای شکوفا ساختن پتانسیل آن‌ها.
 - افزایش توسعه که سلامت، امنیت و شادی جوامع را بهبود می‌بخشد.
 - گسترش ارتباطات به‌منظور بالابردن جریان نقل‌وانتقالات مردم، کالاها، انرژی و اطلاعات میان مکان‌ها.
 - محافظت کردن و بهبودبخشیدن محیط‌زیست صرفاً به دلیل ارزشمندبودن ذاتی آن.
- اقدام برای کاهش کربن و کمک به سازگاری با تغییرات آب‌وهوایی منطقه (Nourian, et al, 2022: 230).



شکل ۲-۵- چرخه مطلوب توسعه پایدار منطقه‌ای

منبع: (دهقان شبانی و اکبری، ۱۳۹۴؛ غضنفرپور و همکاران: ۱۳۹۹)



شکل ۱. مدل مفهومی

در سطح منطقه‌ای، بخش عمومی (به نمایندگی دولت)، بخش خصوصی و توسعه‌دهندگان فردی بازیگران اصلی برنامه‌ریزی و توسعه به شمار می‌روند که اقدامات متعدد و متنوعی در راستای اهداف بخشی خود انجام می‌دهد که لزوماً ممکن است با همدیگر هماهنگ نیز نباشند. یکی از کارکردهای مهم راهبرد توسعه منطقه‌ای هماهنگی این سیاست‌ها و اقدامات در سطح منطقه است. اما لازم است برخی مفاهیم کلیدی در رابطه با مفاهیم هم‌پیوند با این رویکرد تبیین شوند (Hassink, et al, 2019: 32). سیاست منطقه‌ای راهی است برای مداخله دولت محلی در توزیع منابع و فعالیت‌های متنوع بین مناطق مختلف که معمولاً روی توزیع فعالیت‌های اقتصادی تمرکز می‌کند. از نگاهی عملی، سیاست منطقه‌ای طیف وسیعی از فعالیت‌هایی است که در برگیرنده بازتوزیع فعالیت‌های اقتصادی برای توسعه یا بازسازی اقتصادی مناطق می‌شوند. برنامه‌ریزی منطقه‌ای کاملاً با سیاست منطقه‌ای متفاوت است و فرایندی است که ضمن شناسایی ظرفیت‌ها و تنگناهای مناطق، نوعی تصمیم‌سازی در سطح منطقه‌ای است (Alexander, 2001: 377). سیاست منطقه‌ای به‌عنوان عاملی برای تمرکز روی مسائل بین منطقه‌ای دیده شده است، درحالی‌که برنامه‌ریزی منطقه‌ای روی یک بازه وسیعی از مسائل در داخل یک منطقه تمرکز می‌کند. سازوکار برنامه‌ریزی منطقه‌ای معمولاً شامل تهیه و اجرای یک راهبرد توسعه منطقه‌ای می‌شود و باتوجه به متفاوت بودن یک شرایط از مقتضیات دیگر، نهادها در مقام اداره کردن آن‌ها قرار می‌گیرند (Davoudi, 2015: 318) (Churkin, et al, 2021:112).

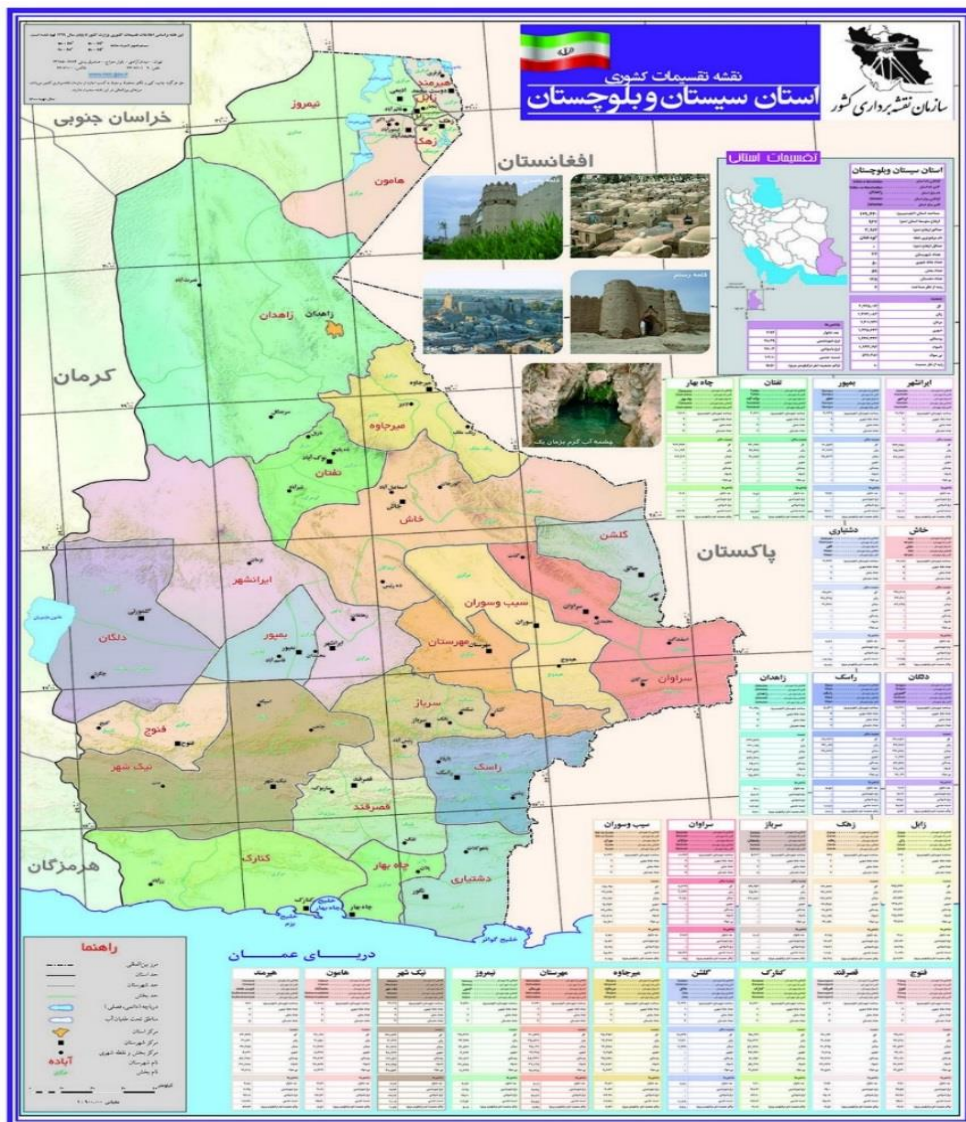
روش پژوهش

باتوجه به هدف پژوهش که تحلیلی بر ظرفیت و تدوین برنامه توسعه پایدار منطقه‌ای مکران با رویکرد آینده‌پژوهی است، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و بر اساس روش آینده‌پژوهی با ترکیبی از روش‌های اسنادی و پیمایشی صورت گرفته است. پژوهش حاضر دارای چهار بخش اصلی است. بخش تدوین مبانی نظری که به‌عنوان گام اول پژوهش روش کیفی انتخاب گردیده است در بخش دوم با روش پیمایشی، عوامل و روندهای مؤثر بر توسعه منطقه مکران بررسی شده است. در بخش سوم بر مبنای عوامل و روندهای شناسایی شده و نظرات خبرگان بر مبنای روش تحلیل اثرات متقاطع به تحلیل ذی‌نفعان و بازیگران و نیز استخراج و تحلیل عوامل کلیدی توسعه منطقه پرداخته شده و بر مبنای روش عدم قطعیت بحرانی، سناریوها تدوین شده است. در گام چهارم نیز کاربرد مفاهیم محتوایی و روش‌های آینده‌نگاری راهبردی در تدوین فرایند پیشنهادی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای ارائه شده است. جامعه آماری در این پژوهش ۵۰ نفر از کارشناسان، خبرگان در حوزه برنامه‌ریزی شهری و آمایش سرزمین بوده‌اند. برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از ابزار پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده که برای استانداردسازی از نظرات کارشناسان در این امر استفاده گردید. در مرحله تحلیل نتایج نیز، محاسبات توسط نرم‌افزار MICMAC انجام گردید.

محدوده مورد مطالعه

منطقه مکران که از نظر جغرافیایی از نیمه شرقی هرمزگان یعنی میناب و سیریک شروع شده و تا منتهی‌الیه ضلع (شهرستان) لسبیله در ایالت بلوچستان پاکستان ادامه دارد، به لحاظ تاریخی سکونتگاه اقوام دراویدی و بلوچ است. امروزه نیز اگرچه بخش عمده ساکنان مکران به‌ویژه در ایران را بلوچ زبانان تشکیل می‌دهند اما هنوز هم دراویدی‌تباران زیادی

مانند براهویی‌ها در بلوچستان و حتی بخش‌هایی از هرمزگان و کرمان زندگی می‌کنند. فقر عمومی و نابرخورداری از امکانات فرهنگی که به فقر فرهنگی در برخی مناطق انجامیده، فضا را برای اثربخشی تبلیغات منفی کشورهای عرب منطقه، علیه ج.ا. ایران فراهم کرده و این امر به ترویج واگرایی و توسعه رادیکالیسم در این منطقه انجامیده است. فارغ از پیشینه و ویژگی‌های فرهنگی ساکنان، این منطقه اکنون توسعه نیافته‌ترین منطقه کشور است و شهرستان‌های محرومی مانند جاسک، بشاکرد و کنارک را در خود جای داده است. چابهار به‌مثابه مهم‌ترین بندر اقیانوسی ایران مهم‌ترین شهر منطقه مکران است و توسعه این منطقه نیز با محوریت این بندر در دستور کار برنامه‌ریزان است. با این حال محوریت بندر چابهار مانع از توجه به سایر مناطق نشده است و در سالیان اخیر توسعه بخش غربی مکران با محوریت بندر جاسک نیز مورد توجه قرار گرفته است (صدرانیا و حیدری، ۱۳۹۸: ۹۶).



شکل ۲- موقعیت مکران

منبع: سازمان نقشه برداری کشور

شهرستان چابهار با ۱۶۰ هزار نفر جمعیت در منتهی‌الیه جنوب شرقی کشور، در کنار دریای عمان و اقیانوس هند قرار دارد و تنها شهر بندری ایران است که به آب‌های اقیانوسی متصل است. شهرستان چابهار دارای سه شهر چابهار، کنارک و نگور است. اقتصاد مردم چابهار مبتنی بر صیادی و کشاورزی است و در دهه اخیر با تأسیس منطقه آزاد چابهار که یکی از چند منطقه آزاد اقتصادی کشور است، بسیاری از سرمایه‌گذاران خارجی در آنجا کارگاه و کارخانه تأسیس کرده‌اند. شهر چابهار به دلیل مجاورت با فرودگاه بین‌المللی کنارک، از موقعیت مناسبی برای سفرهای هوایی برخوردار است.

بحث و یافته‌ها

مبنای تدوین و طراحی سناریوهای توسعه پایدار منطقه‌ای آینده مکران، شناسایی عوامل (پیشران) استراتژیک و آینده‌های بدیل هر کدام از پیشران‌ها است. باتوجه به روش تحلیل متوازن، اثرات متقابل هر آینده بدیل بر رخداد سایر آینده‌ها مورد تحلیل قرار گرفته است و در نهایت سناریوهای توسعه پایدار منطقه‌ای مکران در آینده کل تدوین شده است. در همین چارچوب، بر مبنای روش شناسی مطرح شده، ماتریس اثرات متقابل آینده‌های بدیل ترسیم و با بهره‌گیری از مقایسه زوجی و طیف امتیازات اثرات فزاینده و کاهنده اثرات آینده‌های بدیل مشخص گردید. در این راستا، اعداد درون ماتریس نشان‌دهنده تأثیرات سطر بر ستون است که بین ۳- و ۳+ متغیر است، عدد (۳-) نشان‌دهنده تأثیر کاهنده شدید و عدد (۳) نشان‌دهنده تأثیر فزاینده شدید است، عدد (۰) نشان‌دهنده عدم تأثیر است.

جدول ۱. مشخصات حوزه‌های مورد مطالعه و عوامل مربوط به آنها در آینده‌نگاری استان

حوزه	عوامل
شاخص کلان	موقعیت استراتژیک مکران در فضای بین‌المللی، رقابت‌های بین‌المللی، عملکرد ژئواکونومیک مکران، تولید ناخالص داخلی در اقتصاد ملی
شبکه‌های زیربنایی	شبکه راه‌های اصلی، زیرساخت فناوری اطلاعات، افزایش سطوح کمی و کیفی کریدورهای زیرساختی
اجتماعی	اشتغال و ظرفیت نیروی کار، محدودیت‌های اجتماعی، تنوع فرهنگی، شرایط اقلیمی و نظام اسکان، رشد جمعیت و مهاجرت، پیوندهای اجتماعی مختلف در ارتباط با کشورهای همسایه، سرمایه اجتماعی درون نهادی، سرمایه اجتماعی میان نهادی
سیاست‌گذاری	تفرق یا ارتباط ارگانیک از سطح راهبرد و سیاست‌ها در قیاس با سطح اجرایی در مدیریت منطقه مکران، تفرق در نظام داده و اطلاعات ملاک عمل سیاست‌گذاری تا اجرا، وجود واگرایی‌های سیاستی در مدیریت منطقه مکران، تفرق برنامه‌های مدیریتی تهیه شده در ارائه الگویی کارآمد برای توسعه پایدار یکپارچه
قانونی	تعدد و تنوع قوانین ملاک عمل، میزان همخوانی یا تعارض قوانین ملاک عمل ناظر بر موضوعات و حوزه‌های مختلف، واگرایی مدیریتی و رویه‌ای بین سازمان‌های محلی مکران و وزارتخانه‌ها در تهران، میزان انسجام قانونی در ساختار سازمانی مکران، تناسب قوانین با مسئله‌های اولویت‌دار
اقتصادی	توسعه فعالیت‌های انرژی، صادرات نفت و گاز، شکاف درآمدی، منطقه آزاد چابهار و تولید اشتغال، سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی
اکولوژی	منابع آب، آلودگی محیطی ناشی از صنایع، منابع خاک مناسب توسعه کشاورزی، آسایش اقلیمی، ظرفیت سکونت
امنیت و دفاع	یکپارچگی و وحدت ملی، ثبات و امنیت کشورهای همسایه، اشتراکات فرهنگی با همسایه‌ها، تهدیدات نظامی و امنیتی

منبع: نگارندگان

جدول ۲. پیشران‌ها و آینده‌های بدیل توسعه پایدار منطقه‌ای مکران

عوامل کلیدی	وضعیت	نوع فرض	فرض
اتصال کانون‌های توسعه منطقه‌ای	A1	خوش‌بینانه	اتصال منطقه مکران به کانون‌های توسعه استراتژیکی و ژئو اکونومی در راستای افزایش مبادلات گسترده منطقه‌ای و جهانی
	A2	بینابین	روند تدریجی افزایش کانون‌های استراتژیکی و ژئو اکونومی
	A3	بدبینانه	کمرنگ گشتن کانون‌های استراتژیکی و ژئو اکونومی
سرمایه‌گذاری شبکه‌های یکپارچه گردشگری	B1	خوش‌بینانه	جذب گردشگران و سرمایه‌گذاران در جهت افزایش توسعه و امنیت نسبی مکران باتوجه‌به فرصت‌های موجود در زمینه گردشگری ساحلی و منطقه آزاد تجاری
	B2	بینابین	حرکت به سمت جذب گردشگران و سرمایه‌گذاران
	B3	بدبینانه	عدم جذب گردشگران و سرمایه‌گذاران در منطقه مکران
ایجاد و تجهیز مناطق پیش‌کرانه‌های بنادر	C1	خوش‌بینانه	سرمایه‌گذاری و توجه بیشتر به منطقه سواحل مکران و مخصوصاً بندر چابهار باتوجه‌به قابلیت پهلوگیری کشتی‌های بزرگ و اقیانوسی بودن این منطقه
	C2	بینابین	رشد تدریجی و تجهیز مناطق پیش‌کرانه‌های بنادر در سواحل مکران
	C3	بدبینانه	عدم تجهیز مناطق پیش‌کرانه‌های بنادر در سواحل مکران
فعالیت‌های توسعه‌ای دریا محور مبتنی بر اقتصاد	D1	خوش‌بینانه	ترویج و تقویت الگوها و فعالیت‌های توسعه‌ای دریا محور مبتنی بر اقتصاد آبی
	D2	بینابین	افزایش تدریجی فعالیت‌های توسعه‌ای دریا محور مبتنی بر اقتصاد آبی
	D3	بدبینانه	بی‌توجهی به فعالیت‌های توسعه‌ای دریا محور مبتنی بر اقتصاد آبی
نظارت یکپارچه ساحلی	E1	خوش‌بینانه	تقویت مدیریت و نظارت یکپارچه ساحلی در طول سواحل مکران
	E2	بینابین	ادامه روند موجود
	E3	بدبینانه	عدم مدیریت و نظارت یکپارچه ساحلی در طول سواحل مکران
توسعه شبکه‌ای	F1	خوش‌بینانه	ایجاد و توسعه شبکه‌ای - کریدوری به مرکزیت قطب‌های چابهار - کنارک، جاسک و میناب
	F2	بینابین	حفظ شرایط موجود و عدم تغییرات زیاد
	F3	بدبینانه	فقدان توسعه و شبکه‌سازی
کانون‌های مهم فعالیت و جمعیتی	G1	خوش‌بینانه	تقویت کانون‌های مهم فعالیت و جمعیتی به مرکزیت چابهار و جاسک در اولویت نخست و میناب و کنارک در اولویت دوم
	G2	بینابین	روند تدریجی کانون‌های فعالیت و جمعیتی در منطقه مکران
	G3	بدبینانه	عدم برنامه‌ریزی در جذب کانون‌های فعالیت و جمعیتی
سازمان‌دهی و توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل زمینی	H1	خوش‌بینانه	سازمان‌دهی و توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل زمینی (تکمیل کریدورهای حمل‌ونقلی جاسک به ریگان، تکمیل کریدور ساحلی مکران ارتقا کیفی کریدور چابهار - نیک شهر و چابهار) و کریدور حمل‌ونقل زمینی سرخس،

زاهدان و چابهار		
تثبیت وضع موجود در سازمان‌دهی و توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل زمینی	بینابین	H2

جدول ۳- تعریف مفهوم رنگ‌ها و وضعیت‌ها در صفحه سناریو

امتیاز	رنگ	وضعیت	ویژگی
۳	سبز	مطلوب	اتصال منطقه مکران به کانون‌های توسعه استراتژیکی و ژئو اکونومی، جذب گردشگران و سرمایه‌گذاران در جهت افزایش توسعه و امنیت نسبی مکران، ترویج و تقویت الگوها و فعالیت‌های توسعه‌ای دریا محور، مدیریت یکپارچه ساحلی در سواحل مکران، توسعه شبکه‌ای، تقویت کانون‌های مهم فعالیتی و جمعیتی که در نهایت چهره توسعه پایدار منطقه‌ای مکران را رقم خواهد زد.
۱	زرد	ایستا	روند تدریجی افزایش کانون‌های استراتژیکی و ژئو اکونومی، با سرعت کم جذب گردشگران و سرمایه‌گذاران، رشد تدریجی و تجهیز مناطق پیش‌کرانه‌های بنادر در سواحل مکران، روند تدریجی کانون‌های فعالیتی و جمعیتی در منطقه مکران که در نهایت چهره توسعه متعادل و ایستایی از توسعه منطقه‌ای مکران را شاهد خواهیم بود.
-۳	قرمز	بحرانی	کم‌رنگ‌شدن کانون‌های استراتژیکی و ژئو اکونومی که به دنبال آن عدم جذب گردشگران و سرمایه‌گذاران در منطقه مکران را خواهیم داشت؛ همچنین عدم تجهیز مناطق پیش‌کرانه‌های بنادر در سواحل مکران، بی‌توجهی به فعالیت‌های توسعه‌ای دریا محور مبتنی بر اقتصاد آبی، تفرق مدیریتی و عدم نظارت یکپارچه ساحلی بعلاوه فقدان توسعه و شبکه‌سازی و عدم برنامه‌ریزی در جذب کانون‌های فعالیتی و جمعیتی که منجر عدم توسعه پایدار در منطقه مکران را شاهد خواهیم بود.

ماتریس اثرات متقابل پیش‌ران‌ها و آینده‌های بدیل توسعه پایدار منطقه‌ای مکران

از مجموع ۴۸ وضعیت موجود در صفحه سناریوهای قوی، تعداد ۱۸ وضعیت مطلوب (۳۷/۵ درصد)، تعداد ۲۰ وضعیت ایستا (۴۱/۶ درصد) و تعداد ۱۰ وضعیت بحرانی (۲۰/۸ درصد) را نشان می‌دهد. نتایج حاکی از آن است که بیشتر حالت‌های موجود در صفحه سناریوهای قوی، در وضعیت ایستا قرار دارند و پس از آن وضعیت مطلوب و در نهایت وضعیت بحرانی کمترین میزان را به خود اختصاص داده است.

جدول ۴- سناریوهای محتمل ناشی از خروجی نرم‌افزار سناریو ویزارد

عوامل کلیدی	سناریوهای محتمل ناشی از خروجی نرم‌افزار سناریو ویزارد						
	توسعه منطقه‌ای اتصال کانون‌های گردشگری	سرمایه‌گذاری شبکه‌های یکپارچه	ایجاد و تجهیز مناطق پیش‌کرانه‌های بنادر	اقتصاد آبی دریا محور مبتنی بر فعالیت‌های توسعه‌ای	نظارت یکپارچه ساحلی	توسعه شبکه‌ای	جمعیتی و کانون‌های مهم فعالیتی حمل‌ونقل زمینی زیرساخت‌های سازمان‌دهی و توسعه
سناریو اول	مطلوب	مطلوب	مطلوب	ایستا	ایستا	مطلوب	مطلوب
سناریو دوم	مطلوب	مطلوب	مطلوب	ایستا	ایستا	مطلوب	مطلوب
سناریو سوم	مطلوب	مطلوب	مطلوب	مطلوب	ایستا	مطلوب	مطلوب
سناریو چهارم	ایستا	ایستا	ایستا	بحرانی	بحرانی	ایستا	ایستا
سناریو پنجم	ایستا	ایستا	ایستا	ایستا	بحرانی	ایستا	ایستا

سناریو ششم	بحرانی	بحرانی	بحرانی	بحرانی	بحرانی	بحرانی	بحرانی	ایستا
مطلوب=۳	مطلوب=۳	مطلوب=۳	مطلوب=۰	مطلوب=۱	مطلوب=۳	مطلوب=۳	مطلوب=۳	مطلوب=۲
ایستا=۲	ایستا=۲	ایستا=۲	ایستا=۳	ایستا=۳	ایستا=۲	ایستا=۲	ایستا=۲	ایستا=۴
بحرانی=۱	بحرانی=۱	بحرانی=۱	بحرانی=۳	بحرانی=۲	بحرانی=۱	بحرانی=۱	بحرانی=۱	بحرانی=۰

جدول ۵ زیر ضرایب، تعداد و درصد هریک از وضعیت‌ها به تفکیک هر سناریو را بر اساس طیف سه‌گانه نشان

می‌دهد.

جدول ۵. انواع سناریوهای توسعه پایدار منطقه‌ای

سناریو	تعداد وضعیت‌ها			ضرایب وضعیت‌ها			وضعیت‌های مطلوب			وضعیت‌های بحرانی	
	مطلوب	ایستا	بحرانی	۳	۱	-۳	میزان مطلوب	امتیاز ایدئال	درصد مطلوبیت	میزان شریایط بحرانی	حد اکثر شریایط بحرانی
سناریو اول	۵	۳	۰	۱۵	۳	۰	۱۵	۲۴	۶۲/۵	۰	-۲۴
سناریو دوم	۶	۲	۰	۱۸	۲	۰	۱۸	۲۴	۷۵	۰	-۲۴
سناریو سوم	۷	۱	۰	۲۱	۱	۰	۲۱	۲۴	۸۷/۵	۰	-۲۴
سناریو چهارم	۰	۶	۲	۰	۶	-۶	۰	۲۴	۰	-۶	-۲۴
سناریو پنجم	۰	۷	۱	۰	۷	-۳	۰	۲۴	۰	-۳	-۲۴
سناریو ششم	۰	۱	۷	۰	۱	-۲۱	۰	۲۴	۰	-۲۱	-۲۴

بر اساس نتایج، سناریو سوم با کسب ۷ فرض مطلوب (۸۷/۵ درصد) و یک فرض ایستا (۱۲/۵ درصد) مطلوب‌ترین

وضعیت و سناریو ششم با ۷ فرض بحرانی (۸۷/۵ درصد) و یک فرض ایستا (۱۲/۵ درصد)، نامطلوب‌ترین وضعیت را برای منطقه متصور می‌شوند.

گروه‌بندی و تحلیل سناریوها

سناریوها را می‌توان با توجه به قرابت آنها به دو گروه تقسیم کرد که هریک از این گروه‌ها شامل سناریوهایی با ویژگی‌های تقریباً مشترک و با اندکی تفاوت در یک یا چند فرض از میان ۸ عامل کلیدی هستند. این گروه‌ها به شرح زیر می‌باشند:

گروه اول: سناریوهای مطلوب (شامل سناریوهای ۱، ۲، ۳)

گروه دوم: سناریوهای بحران (شامل سناریوهای ۴، ۵، ۶)

از میان ۶ سناریو، ۳ سناریو در حالت مطلوب قرار دارند که شرایط امیدوارکننده‌ای را برای توسعه مکران نشان می‌

دهند و ۳ سناریو دیگر در حالت بحرانی قرار دارند که برنامه‌ریزی جهت مقابله و کاهش تأثیرات منفی ناشی از وقوع آنها باید اندیشیده شود.

گروه اول: سناریوهای مطلوب شامل سناریوهای ۱، ۲ و ۳ (بهترین حالت ممکن)

این گروه از سناریوها شامل سناریوهای اول تا سوم می‌باشند و محتمل‌ترین و قوی‌ترین سناریوهای پیشروی توسعه منطقه مکران را تشکیل می‌دهد. در این گروه‌ها حالت بحرانی وجود ندارد و عامل متمایزکننده آنها تفاوت در میزان فرض‌های مطلوب و ایستا است. همچنین به لحاظ فراوانی، تمامی وضعیت‌های مطلوب (۱۸ وضعیت) را به خود اختصاص داده است، به طوری که ۱۰۰ درصد فرض‌های مطلوب و ۳۰ درصد فرض‌های ایستا را در بر دارد.

جدول ۶. سناریو اول گروه مطلوب توسعه پایدار منطقه‌ای

گروه	سناریو	میانگین	امتیاز	کد سناریو
گروه اول (مطلوب)	سناریو اول	۲/۲۵	۱۸	H2, G1, F1, E2, D2, C1, B1, A1
	سناریو دوم	۲/۵	۲۰	H1, G1, F1, E2, D2, C1, B1, A1
	سناریو سوم	۲/۷۵	۲۲	H2, G1, F1, E2, D1, C1, B1, A1

همان‌طور که از نتایج جدول ۶ مشخص است، در این گروه سناریو سوم با میانگین ۲/۷۵ و کسب امتیاز ۲۲ در رتبه اول، سناریو دوم با میانگین ۲/۵ و امتیاز ۲۰ در رتبه دوم و سناریو اول با میانگین ۲/۲۵ و امتیاز ۱۸ در رتبه آخر قرار دارد. در سناریوهای این گروه، وضعیت ۵ شاخص اتصال کانون‌های توسعه منطقه‌ای، سرمایه‌گذاری شبکه‌های یکپارچه گردشگری، ایجاد و تجهیز مناطق پیش‌کرانه‌های بنادر، توسعه شبکه‌ای، کانون‌های مهم فعالیتی و جمعیتی کاملاً مطلوب می‌باشد و ۲ شاخص کلیدی دیگر شامل فعالیت‌های توسعه‌ای دریا محور مبتنی بر اقتصاد آبی و سازمان‌دهی و توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل زمینی در حالت مطلوب و ایستا و شاخص نظارت یکپارچه ساحلی برای توسعه پایدار منطقه مکران در حالت ایستا قرار دارد. بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده، این گروه وضعیت مناسبی را برای توسعه آتی منطقه مکران متصور گردیده است و در صورت تحقق گروه سناریوهای مطلوب، شاهد دستیابی به توسعه جامع و همه‌جانبه در منطقه خواهیم بود.

نتیجه‌گیری

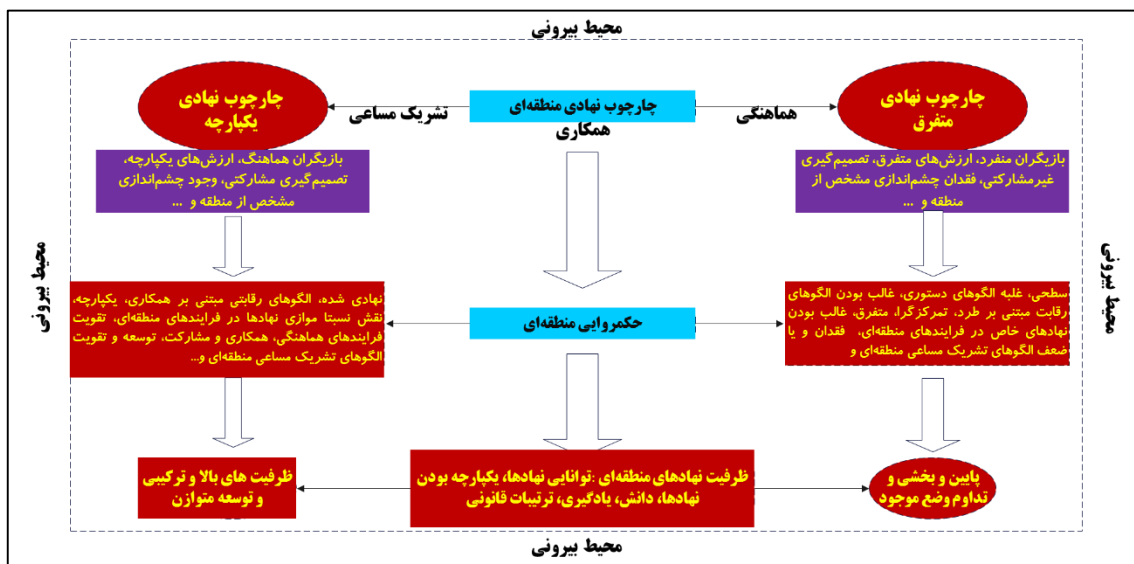
مکران، سرزمین ظرفیت‌های تحقق نیافته و فرصت‌های طلایی است. ظرفیت‌های بالقوه‌ای که به دلیل موقعیت استراتژیک این منطقه در میان کشورهای همسایه ایران در سطح یک، در خاورمیانه در سطح دوم، در آسیا در سطح سوم و کل جهان در سطح چهارم، فرصت‌های طلایی را برای مردم این منطقه در مرحله اول، برای ایران در مرحله دوم و برای حوزه بین‌المللی در مرحله نهایی در قالب بازی برد - برد ایجاد کرده است.

هدف پژوهش تحلیل و شناسایی عوامل کلیدی مؤثر بر توسعه پایدار منطقه‌ای مکران می‌باشد. پس از مطالعات اسنادی در حوزه مکران در مرحله بعدی با بهره‌گیری از ۳۶ متغیر و در قالب ۸ حوزه به بررسی و ارزیابی توسعه منطقه مکران پرداخت گردید.

جدول ۷. سناریوهای سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای مکران

ممکن	محتمل	مطلوب
------	-------	-------

مطلوب	محتمل	ممکن
اتصال منطقه مکران به کانون‌های توسعه استراتژیکی و ژئو اکونومی در راستای افزایش مبادلات گسترده منطقه‌ای و جهانی	روند تدریجی افزایش کانون‌های استراتژیکی و ژئو اکونومی حرکت به سمت جذب گردشگران و سرمایه‌گذاران	کم‌رنگ گشتن کانون‌های استراتژیکی و ژئو اکونومی عدم جذب گردشگران و سرمایه‌گذاران در منطقه مکران
سرمایه‌گذاری و توجه بیشتر به منطقه سواحل مکران و مخصوصاً بندر چابهار با توجه به قابلیت پهلوگیری کشتی‌های بزرگ و اقیانوسی بودن این منطقه	رشد تدریجی و تجهیز مناطق پیش‌کرانه‌های بنادر در سواحل مکران	عدم تجهیز مناطق پیش‌کرانه‌های بنادر در سواحل مکران بی‌توجهی به فعالیت‌های توسعه‌ای دریا محور مبتنی بر اقتصاد آبی
ترویج و تقویت الگوها و فعالیت‌های توسعه‌ای دریا محور مبتنی بر اقتصاد آبی	توسعه‌ای دریا محور مبتنی بر اقتصاد آبی	عدم مدیریت و نظارت یکپارچه ساحلی در طول سواحل مکران
تقویت مدیریت و نظارت یکپارچه ساحلی در طول سواحل مکران	ادامه روند موجود	ساحلی در طول سواحل مکران فقدان توسعه و شبکه‌سازی
ایجاد و توسعه شبکه‌ای - کریدوری به مرکزیت قطب‌های چابهار - کنارک، جاسک و میناب	حفظ شرایط موجود و عدم تغییرات زیاد	عدم برنامه‌ریزی در جذب کانون‌های فعالیت و جمعیتی
تقویت کانون‌های مهم فعالیتی و جمعیتی به مرکزیت چابهار و جاسک در اولویت نخست و میناب و کنارک در اولویت دوم	روند تدریجی کانون‌های فعالیتی و جمعیتی در منطقه مکران	
سازمان‌دهی و توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل زمینی (تکمیل کریدورهای حمل‌ونقلی جاسک به ریگان، تکمیل کریدور ساحلی مکران ارتقا کیفی کریدور چابهار - نیک شهر و چابهار - میلک) و کریدور حمل‌ونقل زمینی سرخس، زاهدان و چابهار	تثبیت وضع موجود در سازمان‌دهی و توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل زمینی	



شکل ۴- الگوی سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای مکران

پیشنهادها

- تدوین الگوی سیاستگذاری توسعه مکران بر مبنای تجارب اقدامات در استان‌های خوزستان و بوشهر

- پشتیبانی سیاسی دولت در تحقق اهداف تعریف شده برای تحول مکران
- تسریع در تعیین تکلیف نظام‌نامه سازمان توسعه مکران
- طراحی برنامه‌های اجرایی برای ظرفیت‌سازی نهادی و توانمندسازی اقتصاد محلی
- تدوین پیوست جغرافیایی- اجتماعی برای طرح‌های توسعه مصوب
- رویکرد به مسئله‌محوری در شناسایی و حل معضلات منطقه
- اولویت‌بخشی به اجرای طرح‌هایی که به‌عنوان محرک توسعه عمل نماید

References

1. Alexander, E. R. (2001). What do planners need to know? *Journal of Planning Education and Research*, 20(3), 376-380 .
2. Babaei, Hamid. Guderzi, Gholamreza., Azar, Adel., Azizi, Firouze. (2019). Designing a foresight model of sustainable development with the approach of scenario-based planning and dynamic system (case study: Yazd province). *Farda Management Magazine*, 19(62), 163-180.
3. Camagni, R., Capello, R., & Nijkamp, P. (2009). Territorial capital and regional development. *Handbook of regional growth and development theories*, 1, 118-132.
4. Churkin, A., Bialek, J., Pozo, D., Sauma, E., & Korgin, N. (2021). Review of Cooperative Game Theory applications in power system expansion planning. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 145, 111056 .
5. Churkin, A., Bialek, J., Pozo, D., Sauma, E., & Korgin, N. (2021). Review of Cooperative Game Theory applications in power system expansion planning. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 145, 111056.
6. Davoudi, S. (2015). Planning as practice of knowing. *Planning theory*, 14(3), 316-331 .
7. Dehghan shabani Z, Akbari N. Economic Distance and Regional Economic Growth in Iran. *QJER* 2015; 15 (2) :203-222
8. GhazanfarPour, H., Mosazadeh, H., & Khodadad, M. (2021). Assessment and Developmental Leveling of Hamedan Cities Based on the Indicators of Health & Treatment Using Fuzzy TOPSIS (FTOPSIS) and Arc GIS. , 13(51), 179-202.
9. Hassink, R., Isaksen, A., & Trippl, M. (2019). Towards a comprehensive understanding of new regional industrial path development. *Regional Studies*.
10. Hassink, R., Isaksen, A., & Trippl, M. (2019). Towards a comprehensive understanding of new regional industrial path development. *Regional Studies* .
11. Majid Yasuri, Maryam Sojodi, (2017). An introduction to regional development strategy (RDS) with an emphasis on the experiences of Northern Ireland, Estonia, South Moravia and Iraqi Kurdistan, *Journal of Development Strategy*, 14(1), 160-175.
12. Mohammadi, D. J., & Kamali Bagharahi, I. (2016). Analysis the Good Urban Governance Indicators for Urban Development Strategy Case Study: the Old Texture Areas of Kerman City. *Geography and Territorial Spatial Arrangement*, 6(21), 153-170. doi: 10.22111/gaij.2016.2840 *Human Geography Research*, 51(4), 951-967.
13. Nourian, F., Alipour, M., & Ache, P. (2022). Model-theory interaction in urban planning: A critical review. *Planning theory*, 21(3), 229-247.
14. Pourahmad, A., & Khaliji, M. A. (2014). The assessment factors in improving urban services by VIKOR (case study Bonab). *Spatial Planning*, Vol. 4, No. 2, pp. 1- 16. (*in Persian*).

15. Sadrania, H., Ranjbar Heydari, V. (2018). Makran Coastal Development Council, requirements and approaches. *Journal of International Security*, Vol. 2, No. 9, pp. 95-105. [Persian].
16. Sarvar, R., & Khaliji, M. A. (2021). Urban policy in the field of wicked problems. *Urban Environmental Planning and Development*, Vol. 1, No. 1, pp. 1-16. (*in Persian*).
17. Tabataba'i, S. S., Saeedeh Zarabadi, Z. S., Ziari, Y., & Majedi, H. (2019). Explaining the Local Model of the City Cluster Development (CCD) in the West Districts of Tehran Province.
18. Zhang, K., Shao, S., & Fan, S. (2020). Market integration and environmental quality: Evidence from the Yangtze river delta region of China. *Journal of environmental management*, 261- 208 .